



مقایسه سبک شناختی نامه های جامی و غزالی در بافت سیاسی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی

دکتروسوسن فتوحی تکانتبه^۱

استادیار دانشگاه فرهنگیان؛ پردیس پنت الهدی صدر کردستان

چکیده

این پژوهش به مقایسه سبک شناختی نامه های جامی و غزالی در بافت سیاسی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی می پردازد.

نامه های عرفا و علمای بزرگ، منابع تاریخی ارزشمندی هستند که علاوه بر دارا بودن اطلاعات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی روزگار خود، چگونگی مناسبات و ارتباط نویسندگان آن را با صاحبان قدرت و طبقات مختلف اجتماعی نشان می دهد. در این تحقیق سعی بر آنست که با توجه به مدل سه بعدی نورمن فرکلانف ویژگی های سبکی نامه های جامی و غزالی در سه سطح توصیف، تفسیر و

تاریخ دریافت: ۹۷/۷/۳ تاریخ پذیرش: ۹۸/۲/۱۸

تیین مورد مقایسه قرار گیرد تا بتوان به این پرسش ها پاسخ داد که هر کدام از چه گفتمان و راهبرد های زبانی برای برقراری ارتباط با افراد در بافت سیاسی بهره برده اند؟ چه نقاط مشترک و متفاوتی در ویژگی های زبانی و سبکی آن ها وجود دارد؟ گفتمان موجود در نامه ها چه نقشی ایفا کرده اند؟ یافته های تحقیق نشان می دهد گفتمان حاکم بر نامه های جامی، عارفانه با محوریت عشق الهی و گفتمان حاکم بر نامه های غزالی زاهدانه با محوریت آخرت گرایی است. هر دو با بکارگیری گفتمان مورد نظر به حفظ اقتدار خود در مقابل حکومت پرداخته اند. در مفهوم روابط قدرت، جامی از طریق همسویی با قدرت حاکم و غزالی با ایستادگی در برابر آن، دستگاه حکومت را کنترل و آن ها را به اجرای عدالت و حمایت از مردم دعوت نموده اند..

واژگان کلیدی

جامی، غزالی، نامه، تحلیل گفتمان انتقادی، سبک شناسی

مقدمه

بیان مسأله

مکاتبات و مراسلات عرفا، علما و شاعران بزرگ در طول تاریخ، منابع ارزشمندی محسوب می شوند که مطالعه و تحلیل و تحقیق در متن آن ها می تواند علاوه بر اطلاعات تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن روزگار چگونگی مناسبات نویسندگان آن را با حاکمان قدرت و با طبقات مختلف اجتماعی نشان دهد و اینکه چگونه و با استفاده از چه سبک ادبی و شگرد های زبانی و بیانی برای ایجاد ارتباط مؤثر تلاش کرده اند.

امروزه نظریه ها، رویکرد ها و روش های بسیاری در سبک شناسی متون ادبی و تاریخی از سوی صاحب نظران حوزه زبان شناسی و ادبیات مطرح گردیده است که می تواند مؤلفه ها و ابزار های مناسب هر متن را در اختیار تحلیلگران قرار دهد. در این تحقیق سعی بر آنست که با استفاده از یکی از رویکرد های سبک شناسی و زبان شناسی جدید یعنی تحلیل گفتمان انتقادی و روش سه بعدی نورمن فرکلاف، نامه ها و منشآت عبدالرحمن جامی؛ شاعر و عارف قرن نهم هجری و نامه های امام محمد غزالی؛ نویسنده و اندیشمند قرن پنجم و ششم هجری را که هر کدام در دو دوره متفاوت تاریخی با شرایط خاص اجتماعی، فرهنگی و سیاسی روزگار

خود زیسته اند، در سه سطح توصیف (بررسی وجه واژگانی و کاربرد شناسی زبان)، تفسیر و تبیین مورد مقایسه و بررسی قرار دهیم تا بتوان به این پرسش ها پاسخ داد که هر کدام از این بزرگان با توجه به موقعیت خود و اوضاع اجتماعی و سیاسی زمان از چه گفتمان و راهبرد های زبانی برای برقراری ارتباط با افراد در بافت سیاسی بهره برده اند؟ چه نقاط مشترک و متفاوتی در ویژگی های زبانی و سبکی آن ها وجود دارد؟ گفتمان های موجود در نامه ها چه کار کرد و نقشی را در جامعه ایفا کرده است؟ آیا در خدمت روابط موجود قدرت است یا در جهت دگرگون ساختن آن عمل می کند؟ البته نامه های مذکور را می توان از منظر دیگر و جوه زبانی از جمله وجه نحوی، بلاغی و ... نیز مورد بررسی و مذاقه قرار داد؛ اما با توجه به گستردگی مطلب، در این مقاله صرفاً به وجه واژگانی و کاربرد شناسی بسنده می شود.

پیشینه تحقیق

این پژوهش در نوع خود فاقد پیشینه است. از جمله پژوهش های مرتبط با تحقیق حاضر، کتاب «سبک شناسی، نظریه ها، رویکرد ها و روش ها» اثر محمود فتوحی، «تحلیل گفتمان انتقادی» اثر فردوس آقا گل زاده، «سبک شناسی نامه های غزالی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی» اثر مریم در پر، «بررسی سبک شناختی منشآت جامی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی» رساله دکتری نگارنده، مقاله «بررسی سلطانیات در مکتوبات مولوی و منشآت جامی» از اسماعیل شفق و فروزان آزاد بخت، چگونگی نمود روابط قدرت در قالب شیوه بیان در برخی از نامه های مولانا از شهلا شریفی و سیده مریم فضایی و ... می توان نام برد.

مبانی نظری پژوهش

نامه ها، منشآت و مکاتیب از جمله متونی هستند که به دلیل ماهیت ارتباطی و پیام رسانی بین گفته پرداز و گفته خوان، لازم است علاوه بر بررسی جملات، خود متن در بافت بیرونی که شامل اوضاع اجتماعی، فرهنگی، هدف ارتباط و نوع ارتباط بین گفته پرداز و گفته خوان است، بررسی و تحلیل گردد؛ بنابراین به منظور تحلیل دقیقتر و جامعتر اینگونه متون باید از روش ها و رویکرد های جدید سبک شناسی مانند تحلیل گفتمان، سبک شناسی کاربردی،

نقش گرا و ... استفاده نمود. نگارنده در این پژوهش با توجه به ماهیت ارتباطی نامه ها (ارتباط دوسویه بین نویسنده و مخاطب) از روش تحلیل گفتمان و به دلیل وجود روابط قدرت بین گفته پرداز و گفته خوان در نامه ها از رویکرد انتقادی که در برگیرنده ایدئولوژی، زبان و قدرت در متن است، برای تحلیل و مقایسه متن نامه های جامی و غزالی که هر دو نامه هاییرا به سلاطین و قدرتمندان عصر خود نوشته اند، به کار برده است. از بین نظریه های تحلیل گفتمان انتقادی نیز مدل سه بعدی فر کلاف را به منظور تحلیل و مقایسه متون انتخاب نموده است.

در تعریف تحلیل گفتمان باید گفت تحلیل گفتمان تجزیه و تحلیل زبان در کاربرد است؛ در این صورت نمی تواند منحصر به توصیف صورت های زبانی مستقل از اهداف و کارکرد هایی باشد که این صورت ها برای پرداختن به آن ها در امور انسانی به وجود آمده اند (فر کلاف، ۱۳۷۹: ۹)؛ اما هدف نظریه پردازان تحلیل گفتمان انتقادی از جمله فر کلاف، آشکار کردن روابط پنهان قدرت و فرایندهای ایدئولوژیکی موجود در متون زبانی است. آن ها بافت کاربرد زبان را با بافت های وسیعتر اجتماعی و فرهنگی ربط داده اند (آقا گل زاده، ۱۳۸۶: ۳۱).

تبیین روش

روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و شیوه گردآوری داده ها کتابخانه ای است. روش تحلیل نیز به صورت مقایسه ای بر اساس نظریه فر کلاف انجام گردیده است. با این توضیح که روش تحلیل گفتمانی او در سه سطح صورت می گیرد: ۱- توصیف: در این مرحله به برچسب دهی به ویژگی های صوری (واژگانی، دستوری، بلاغی و کاربردشناسی و...) اکتفا می کند (فر کلاف، ۱۳۷۹: ۱۶۷-۱۷۱) ۲- تفسیر: در این مرحله به تحلیل فرایندهای شناختی و تعاملات میان آن ها پرداخته می شود. ویژگی های بافت، زمینه، انواع گفتمان و چگونگی روابط قدرت و سلطه در این مرحله مشخص می گردد. ۳- تبیین: در این سطح عوامل اجتماعی، عناصر ایدئولوژیک متن و تأثیرات گفتمان در متن مورد بررسی قرار می گیرد (همان: ۲۱۵-۲۴۴). در این شیوه پژوهش تحلیل در سطح توصیف و تفسیر به صورت در هم تنیده صورت گرفته است به این صورت که ابتدا موقعیت و بافت متن تا حد ممکن بررسی می شود که شامل

نویسنده، مقام و موقعیت اجتماعی و علمی او، مخاطبین و موقعیت آنهاست سپس ساخت های زبانی در وجه واژگانی و کاربرد شناسی مورد مقایسه و تحلیل قرار می گیرد و در نهایت در سطح تبیین گفتمان غالب در نامه ها، کار کرد و نقش نامه ها در جامعه و چگونگی روابط قدرت بیان می گردد.

مقایسه سبک شناختی نامه ها در سطح توصیف و تفسیر

نامه

نامه یک رسانه است و در تعریف رسانه می توان گفت، موجود زنده ای است که پیامی را از یک پیام ساز به یک پیام گیر (مخاطب) منتقل می کند و سبب برقراری ارتباط می گردد. (رک: نقیب زاده، ۱۳۸۴: ۲۳۰-۲۳۳) این ارتباط و انتقال پیام در نامه برای مقاصد مختلفی چون سفارش کردن، اندرز دادن، دستور دادن، درخواست کردن و ... انجام می گیرد. نامه ها علاوه بر انتقال پیام، کنش و عملی نیز انجام می دهند. این انتقال پیام و انجام عمل در بافت موقعیتی به وقوع می پیوندد. بافت موقعیتی متن شامل نویسنده، مخاطب، موقعیت اجتماعی، سیاسی، علمی و... آنها و نوع روابط و تعاملاتشان است. (رک: درپر، ۱۳۹۳: ۱۱۷-۱۱۸) نویسنده نامه با در نظر گرفتن مقاصد خاص نامه (ارشاد، ترغیب، انتقاد، اعلام حمایت، جذب حمایت، تبریک و...) و با توجه به طبقه اجتماعی مخاطب، متن نامه را طوری سازماندهی می کند که به هدف مورد نظر خود برسد. تفاوت در نحوه سازماندهی یا انتخاب مؤلفه های زبانی و شیوه بیان باعث تمایز ویژگی های سبکی در نامه ها از جمله نامه های جامی و غزالی شده است.

معرفی نویسندگان

الف) جامی

نور الدین عبدالرحمن جامیدر ۸۱۷ هـ ق در خرگرد جامبه دنیا آمد. او دانش های مقدماتی را در نزد پدرش آموخت، سپس به همراه او به هرات رفت و در نظامیه ی آن شهر به ادامه کسب دانش پرداخت. بعد از آن به سمرقند رفت و خدمت قاضی زاده رومی را درک کرد و سمرقند

را به شوق پیمودن راه سیروسلوک و ملاقات سعدالدین کاشغری (از بزرگان طریقت نقشبندیه. م. ۸۶۰ هـ) به مقصد خراسان ترک کرد و پس از او دست ارادت به طرف خواجه عییدالله احرار دراز کرد. او با تأثیرپذیری از اندیشه های ابن عربی توانست عرفان ایرانی را که در عهد وی به ابتدال می گرایید در پایه و اساسی عالمانه قرار دهد. (صفابه تلخیص ترابی، ۱۳۸۴: ۱۵۷-۱۵۸)

جامی سنی حنفی و در مذهب خود استوار و پایدار بود (ریپکا، ۱۳۷۰: ۴۱۸؛ براون، ۱۳۵۱: ۷۵۵-۷۵۶/۳).

مخاطبین جامی در نامه های سیاسی

او به سبب علو مقام ادبی، علمی و معنوی که داشت پیش از آنکه به دوران کهولت رسد در تمام ممالک زیر سیطره زبان فارسی، یعنی از امپراطوری عثمانی تا هندوستان، شهرت یافت و بی شک خوشبخت ترین شاعر و نویسنده ایرانی است که در حیات و ممات مورد احترام بود. از میان شاهان و رجال تیموری میرزا ابوالقاسم بابر، سلطان ابوسعید بن محمد بن میرانشاه، سلطان حسین بایقرا، امیر علیشیر نوایی، و از سلاطین دوردست جهانشاه قراقویونلو، اوزون حسن آق قویونلو، یعقوب بیگ آق قویونلو، سلطان محمد فاتح عثمانی و سلطان بایزید خان با جامی معاصر و دارای روابط بسیار خوب و مکاتبه بودند. (صفا، تلخیص ترابی، ۱۳۸۴: ۱۵۴)

اوضاع اجتماعی و فرهنگی عصر جامی (بافت بیرونی متن نامه ها)

عصر جامی مصادف با دوره تیموری در تاریخ ایران است. امیر تیمور با آنکه خود مردی غیرمتعصب و تقریباً بی دین و رند بود، با این حال با علمای دین، سادات و مشایخ اهل تصوف گرم می گرفت (بهار، ۱۳۸۶: ۲۱۱).

در خانقاه ها و مدارس، مذهب و تصوف چنان به هم نزدیک شده بود، که جدا کردن شریعت از طریقت به دشواری امکان داشت (میرجعفری، ۱۳۸۱: ۱۷۷-۱۷۶)؛ به همین دلیل خانقاه های زیادی بوجود آمد و سلسله های متعددی از صوفیان تأسیس یافتند. از میان اینگونه فرق که توانستند از جایگاه مهم اجتماعی بر خوردار شوند سلسله ی نقشبندیه بود. این فرقه به

عنوان یکی از بانفوذترین فرقه صوفیه معتدل ولی متعصب در تسنن و موافق با سلاطین زمان بود (حکمت، ۱۳۲۰: ۶-۷).

با استقرار خواجه عیدالله احرار بر مسند شیخی، تصوف نقشبندی وارد مرحله جدیدی شد و آن هماهنگ شدن او بود با پسندهای سیاسی عصر، به آن گونه که بر تیمور زادگان تأثیر گذارد و در زیر سایه ی تیموریان، در ماوراء النهر و خراسان پایگاه اجتماعی بلندی حاصل کرد. خواجه احرار آموزه سیاسی نقشبندی را به این صورت در میان مردم تبلیغ می کرده است: «طایفه ای به سبب عدم معرفت، مذمت دنیا می کنند و سلطنت را نیز مذموم می شمارند. و این هر دو مطلقاً مذموم نیست،... و سلطنت نیز مرتبه ی رفیع است قریب به مرتبه ی نبوت. بعد از نبوت هیچ مرتبه ای اشراف از سلطنت نیست. امداد دین و ملت و تقویت شریعت بر وجهی که از سلاطین متصور است از هیچ طایفه ای متصور نیست. اجرای عدالت و دفع اهل ظلم و طغیان به وجه کمال به سبب سلطنت میسر است.» (مایل هروی، ۱۳۷۷: ص ۶۷-۶۴)

جامی به عنوان یکی از بزرگترین مشایخ عصر بعد از خواجه احرار دقیقاً با این آموزه ی سیاسی نقشبندی موافقت داشت؛ به همین دلیل با قدرت یافتن سلطان حسین بایقرا پیوند او با دربار و درباریان استوار شد. انعکاس و شواهد آشکار این ایدئولوژی و آموزه سیاسی در نامه ها و منشآت او به خوبی نمایان است. او با دسترسی داشتن به گفتمان ادیبانه- عارفانه و با تاثیرپذیری از این ایدئولوژی و آموزه سیاسی، با هدف جلوگیری از ظلم و ستم به مردم و دستگیری از خلائق و احقاق حق آنها مکاتیب و نامه هایی در مقام یک عارف و عالم و شاعر به سلاطین نوشته است. جامی در ابیات ذیل به پیوند طریقت با سیاست و سپس دخالت و تصرف مشایخ در امور سیاسی و اجتماعی و فرهنگی عصر چنین اشاره می کند:

نزد نقش بدیع نقشبندان

کسی چون او به لوح ارجمندان

به تدبیر عیداللهی آمد

چو فقر اندر قبای شاهی آمد

به برگر خرقة ای بودش قبا کرد

به فقر آن را که لطفش آشنا کرد

(جامی، ۱۳۶۶، ۵۸۸)

اودر سال های ۸۷۷-۸۷۰ ه.ق در مرکز معنوی و دیوانی قرار داشته و همچنان که به زندگی خانقاهی و ارشاد مریدان می پرداخته، هم بر دولتمردان دربار تیموری نفوذ و سلطه یافته بود و هم معضلات و مشکلات عامه مردم بر اثر توصیه های او به درباریان حل و فصل می شده است. میزان توجه دربار تیموری به جامی- در این برهه از زندگی او- از آنجا روشن می شود که چون جامی اسباب سفر به حجاز را فراهم کرد، سلطان مقرر داشت تا وی از پرداخت هرگونه مالیات معاف گردد و وسایل سفر او فراهم شود و نامه دیوانی به مراکز قدرت در جهان اسلام ارسال شود تا از او و همراهانش به درستی استقبال گردد(باخرزی، ۱۳۷۱: ۱۶-۴).

ب)غزالی

امام محمد غزالی ملقب به حجت الاسلام از عالمان مشهور دوره سلجوقی است که در طابران طوس در حدود سال ۴۵۰ ه.ق به دنیا آمد و در همه علوم دینی عصر خود استاد مسلم گردید، خود او می گوید « تا به جایی رسید که سخن وی از اندازه فهم بیشتر اهل روزگار در گذشت»(غزالی، ۱۳۶۲: ۱۲). مدت ۴ سال به در خواست خواجه نظام الملک در نظامیه به تدریس پرداخت. در اواخر عمر به سیر وسلوک پرداخت و در طوس خانقاهی ترتیب داد و به ارشاد مشغول گشت.

مخاطبین غزالی در نامه های سیاسی

مخاطبان غزالی در بافت سیاسی نامه ها پادشاه (سلطان سنجر سلجوقی)، وزیران و ارکان دولت است. از وزیران می توان نظام الدین فخر الملک، ضیاءالملک یا نظام الملک ثانی، شهاب الاسلام و مجیرالدین وزیر را نام برد.(غزالی، ۱۳۶۳: ۱۱۵-۱۱۶)

اوضاع اجتماعی و فرهنگی عصر غزالی(بافت بیرونی متن نامه ها)

ظهور غزالی و سلطه فکری او درست مقارن بود با دوره جوش و خروش باطنیان اسماعیلی و زمانی که دامنه تبلیغات آن ها به شدت گسترده شده بود، وجودش در دفاع از اسلام در مقابل این طایفه مؤثر واقع شد و بنیان آن ها را متزلزل نمود. اگر چه این حال شاید در دفاع از اسلام قشری و آراء و عقاید اسلاف و تصوف و توحیدی که پسندیده زاهدان خشک مغز بود، تاثیر

بسیاری داشته ولی در عوض مانع بزرگی در مقابل بسط ذوقیات و رشد آزادی فکر در ممالک اسلامی شد. (غزالی، ۱۳۶۳: ب)

او هیأت اجتماعی ای می خواهد که تمام افراد آن سالک راه خدا باشند و چنانکه او دستور می دهد به امری دیگر جز ترهد و توکل و اخلاص و بندگی حق تعالی اشتغال نوزند و این برای اکثر مردم عملی نبوده است.

فضای نگارش نامه های او به خصوص نامه به سلطان سنجر سلجوقی برای پاسخگویی به اتهامات، فضای تعصب در عقاید و حسادت و رقابت منفی بین عالمان است در این موقعیت اجتماعی، حسودان و متعصبان غزالی را به نوشتن اباطیل و کفر و گرایش به مذهب مجوس و طعن و قرح امام ابوحنیفه متهم کرده اند. فضای نامه به وزیر فخر الملک فضایی است که در آن وزیر به امور دینی اهتمام ندارد. شراب می نوشد و ظالمان گستاخ شده اند... (درپر، ۱۳۹۲: ۱۴۴) حال با تجزیه و تحلیل و جوه زبانی در نامه های دو نویسنده روشن خواهد شد که هر کدام با توجه به بافت موقعیتی با چه گفتمان و راهبردی با قدرت حاکم سخن گفته اند. مقایسه نامه های غزالی و جامی در انتخاب و جوه زبانی (واژگانی و کاربرد شناسی)

الف) وجه واژگانی:

۱- کاربرد اصطلاحات و واژگان

در نامه هر دو نویسنده کاربرد اصطلاحات و واژگان عرفانی، دینی و زاهدانه نسبت به کاربرد اصطلاحات و واژگان حکومتی و سیاسی از بسامد بالایی برخوردار است؛ با این تفاوت که غزالی با این انتخاب ها سلطان را به بی ارزش بودن پادشاهی دنیا توجه داده و برای به دست آوردن پادشاهی آخرت ترغیب نموده است. تعبیرهایی مانند: پادشاهی آخرت، پادشاهی جاوید، سلطان عادل و در نامه به وزیر تعبیری مانند: کفارت، طهارت، درجه اشقیاء، توبت، حرام، واجب و... (درپر، ۱۴۶: ۱۳۹۲)

این بسامد بالا و گاه مساوی بارمزگان مربوط به نهاد حکومت در نامه های جامی در تحکیم جایگاه عرفانی و علمی نویسنده، نزدیک نمودن نهاد تصوف به نهاد حکومت و توازن قدرت

بین دو نهاد، نقش مهمی ایفا کرده است. این تعابیر در نامه ی شماره یک مانند: نور ازل، مصالح دینی، حضرت ذوالجلال والاکرام، صفای طویت، صبر، شهود فضل، اسرار ابد (جامی، ۱۳۷۸: ۹۵) و در نامه شماره ۱۰ عبارتند از: قضا، دامن وصل، مهب نفحات کرم، فضل الهی، فیض نامتناهی، تمشیت امور شرعی، کعبه آمال، قبله اقبال. (همان: ۱۰۱) تعابیر و رمزگان در نامه های جامی عارفانه و بر حول محور عشق الهی است؛ در حالی که در نامه های غزالی زاهدانه و آخرت گرایانه بوده و معنای تحذیر و انذار در آنها نهفته است.

۲- شاخص (عناوین و القاب)

یکی از مؤلفه های زبانی که در تحلیل صورت های زبانی نامه ها قابل بررسی است، کاربرد شاخص ها است. بررسی شاخص ها در نامه های جامی و غزالی نشان می دهد که هر دو نویسنده با توجه به موقعیت و جایگاه عرفانی و علمی و باز تولید گفتمان عارفانه و زاهدانه علاقه و گرایشی به استفاده از این مؤلفه ندارند؛ همچنانکه یکی از ویژگی های برجسته نامه غزالی به وزیر فخر الملک خودداری از کاربرد این مؤلفه است او در توجیه این مطلب می گوید: «قال رسول الله صل الله علیه و آله أنا و أتقیاء امتی براء من التکلف» خطاب و القاب به هم باز نهادن از راه تکلف عادتست و سخنی که از سر دیانتی رود، مستغنی بود...» (غزالی، ۱۳۶۲: ۲۹)

جامی نیز در نامه به وزرا و ارکان دولت از هیچ شاخصی استفاده نمی کند از جمله در نامه ۳۷۶ به مجدالدین محمد پروانه علت این امر را جایگاه عرفانی اش و به تبع آن دوری از تکلف و توصیف به شیوه ی منشیان و دبیران می داند: «...و چون پاره ای تکلف در مراسلات دأب منشیان و دبیران است نه شیوه ی شکستگان و فقیران از آن اعراض نموده، میگوید...» (جامی، ۱۳۷۸: ۲۳۶) با این تفاوت که این مؤلفه در نامه های جامی به سلاطین به تعداد اندک دیده می شود که با هدف باز نمایی ایدئولوژی خانقاهی^۵ سیاسی نقشبندیه برای همراه نمودن و همسو نمودن شاهان با جریان تصوف و رسیدگی به امور مردم و اجرای عدالت صورت گرفته

است. (فتوحی، ۱۳۹۴: ۲۹۳) مثال: حضرت خلافت پناهی، سلیمان دستگاهی، حضرت سلطنت شعاری (جامی، ۱۳۷۸: ۲۱۸)

غزالی نیز در نامه به سلطان سنجراین صورت زبانی را به تعداداندک به کار می برد آن هم با این هدف که به شاه بفهماند قدرت تو تحت سیطره ی قدرتی برتر است تا از این طریق قدرت بی حد و حصر را از پادشاه ساقط نماید: «ایزد تعالی ملک اسلام را از مملکت دنیا برخوردار کند.» (غزالی، ۱۳۶۳: ۳)

۳- تکرار واژگان

تکرار واژگانی یکی از ابزارهایی است که هر دو نویسنده در جهت انسجام متن و تمرکز اندیشه ی مخاطب بر مدار اصلی سخن، تأثیر گذاری و تأکید به کار می برند. این نوع تکرار اغلب مانند رشته ای نامرئی در متن نامه وظیفه ی استحکام و انسجام کلام را به عهده دارد؛ همچنین این تکرارها در نامه های جامی در جهت تثبیت گفتمان عارفانه و در نامه های غزالی در جهت تثبیت و تقویت گفتان زاهدانه ایفای نقش می کنند؛ به عنوان مثال جامی در نامه ی شماره ۵ به امیر علیشیر نوایی وزیر سلطان حسین بایقرا با تکرار واژه های جهت دار از جمله: مسلمین و مشتقات آن (مسلمانان و اسلام) ۴ بار، اصطلاحات مالیاتی ۴ بار، ضمائر مبهم در معانی مختلف ۹ بار و مخصوصاً ذکر معنا دار عبارت «فکر حال مسلمانان» در جملات آغازین و پایانی نامه، متن را انسجام بخشیده و بر گفته های خود تأکید می کند. هدف او از این تکرار های انسجامی و تأکیدی، هشدار به حکام در رسیدگی به امور مالیاتی و تجاری، امنیت مالی و جانی مسلمانانو تأکید بر اجرای عدالت در جامعه است. (جامی، ۱۳۷۸: ۹۷) و در نامه شماره یک خطاب به سلطان حسین با تکرار آگاهانه ی واژگان بی آنکه ۳ بار، ایشان ۳ بار، ظفر ۲ بار، مسخر ۲ بار، مخاطب را به توکل، صبر و دوری از تعجیل در جنگ و ادار نموده است. (همان: ۹۵)

واژگان تکراری در نامه سوم غزالی به فخرالملک وزیر در شمار عناصر تأکیدی و شدت بخش به حساب می آید و نشان دهنده ی تأکید نویسنده بر ارزشمندی کمال، سعادت اخروی، انجام

کارهای خیر و عدالت ورزی است. در این نامه واژه ی عدالت ۳ بار، کمال ۲ بار، خیل و لشگر ۲ بار، برهان ۳ بار، فریق ۳ بار، حجاب ۲ بار خیرات ۳ بار و... تکرار شده اند (در پر، ۱۳۹۲: ۱۷۴). همچنین در نامه به سلطان سنجر نیز تکرار واژگان به عنوان یک عنصر تأکیدی جهت گیری فکری نویسنده را نشان می دهد؛ از جمله: ایزد تعالی ۴ بار، پادشاهی آخرت ۳ بار، ملک اسلام و مجلس عالی هر کدام ۲ بار. او با این تکرارها پادشاه را مکرراً متوجه می کند که قدرتی برتر از قدرت او وجود دارد و پادشاهی آخرت ارزشمند تر از پادشاهی او در دنیاست. (همان: ۱۵۰)

۴- واژگان متقابل

جامی با کاربرد واژگان متقابل در این نامه ها، در صدد باز تولید گفتمان عارفانه در مقابل گفتمان نهاد قدرت و القا نمودن ایدئولوژی خانقاهی^۵ سیاسی و در بارانه طریقت نقشبندیه بوده است. این تفکر همان هماهنگ شدن مشایخ نقشبندیه است با پسند های سیاسی عصر به گونه ای که بر تیمور زادگان تاثیر گذارند و آنان را با پسند های اجتماعی و مذهبی خود هم نوا کنند، البته مشایخ نقشبندی پیوستن به درباریان را بدان سبب سود مند دانسته اند که بار ظلم و تعدی سلاطین را بر جامعه سبک سازند؛ به این جهت وجود سلطنت را به عنوان یک ضرورت اجتماعی جهت امداد دین و ملت و تقویت شریعت و دفع اهل ظلم در میان مردم تبلیغ می کردند (مایل هروی، ۱۳۷۷: ۶۷)؛ به عنوان مثال این واژگان در نامه شماره ۲۹ به سلطان حسین بایقرا عبارتند از: خزان و بهار، سرچشمه و لب تشنه، بندگی و شاهی، بنده و شاه (جامی ۱۳۷۸: ۱۱۱) و در نامه شماره ۳۴۹: دنیوی و اخروی، آسمان و زمین، حضرت سلطنت شعاری و خلافت پناهی (همان: ۲۱۸).

واژگان متقابل در نامه های غزالی در شکل گیری گفتمان زاهدانه ایفای نقش می کند؛ اما او مانند جامی در پی همراهی و همسویی با سلطنت نیست بلکه می خواهد با قرار گرفتن در موضع اقتدار شاه و وزرا را نصیحت نموده و آن ها را به ترجیح دادن آخرت بر دنیا و به دست آوردن سعادت اخروی دعوت کند؛ این نوع واژگان در نامه به فخرالملک وزیر مانند: خواجگی

کار دین در برابر خواجهگی دنیا، سهام اللیل در مقابل سهام الخیل، درجه سعدا در مقابل درجه اشقیاء (غزالی، ۱۳۶۳: ۲۹)؛ همچنین در نامه به سلطان سنجر برای آخرت واژه هایی از قبیل «کوزه زرین» و «باقی» آورده که بیانگر ارزش و اهمیت آخرت و جاودانگی آن است و برای دنیا و پادشاهی دنیوی واژه های «کوزه سفالین»، «کلوخ، گرد و غبار کلوخ وفانی آورده که بی ارزشی پادشاهی دنیا و زود گذر بودن دنیا از آن در یافت می شود (همان، ۴).

ب) وجه کاربرد شناسی

کاربردشناسی بررسی منظور گوینده است. این گونه بررسی ناگزیر تفسیر منظور را در یک بافت خاص و همچنین چگونگی تأثیر آن بافت و پاره گفت را نیز در برمی گیرد آنچه در کاربردشناسی برای تحلیل متون به کار می رود، بررسی کنش های گفتاری متن و مقوله ی ادب است. (یول، ۱۳۹۱: ۱۱) کنش گفتاری یکی از مباحث نظام گسترده سبک شناسی کاربردی است که تکیه بر شرح و توصیف زبان مورد استفاده دارد. مطابق با نظر اوستین در زبان چیزی بیشتر از معنی منحصر به فرد کلمات و عبارات وجود دارد. نظریه کنش گفتاری را بعدها جان سرل^۳ شاگرد اوستین گسترش داد. او کار گفت ها و کنش های گفتاری را به پنج دسته تقسیم می کند: ۱- اظهاری ها^۴ که برای شرح دنیا یعنی بیان کردن، اظهار کردن، ادعا کردن، گفتن، شرح دادن و... به کار می رود. ۲- امری ها^۵ که انجام کاری را در نظر دارد، مثل دادن دستوری، خواستن چیزی یا تقاضای کاری که بیان آنها منجر به تغییر اوضاع دنیای خارج می شود. مثل زمانی که داور مسابقه اعلام کند: شما اخراجید. گاه وجه امری از طرف گوینده به صراحت بیان نمی شود اما خود از لحن و بافت بیان، استنباط می شود. ۳- تعهدی ها^۶ که گوینده برای متعهد کردن خود به انجام عمل احتمالی آتی به کار می برد به شکلی که دنیایی را

. Speech Act Theory

. John R. Searle ()

. Assertives

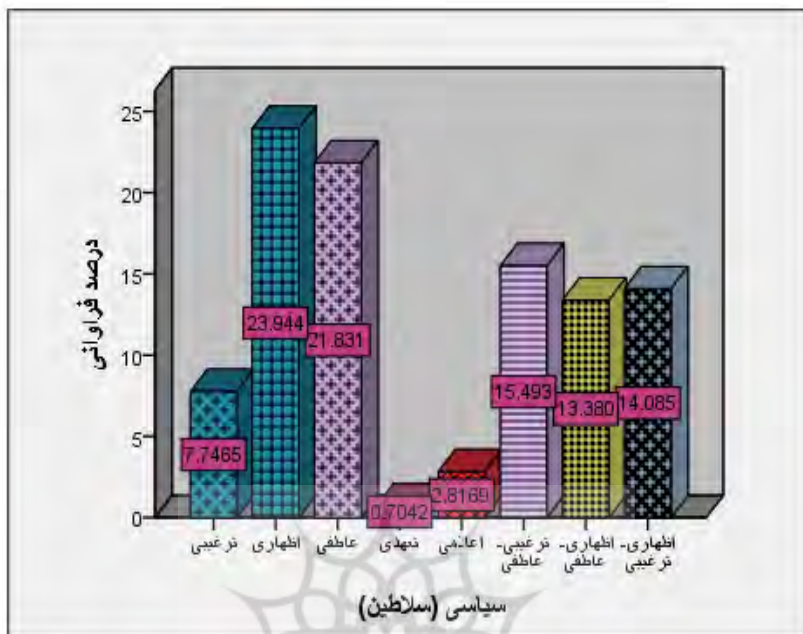
. Directives

. Commissives

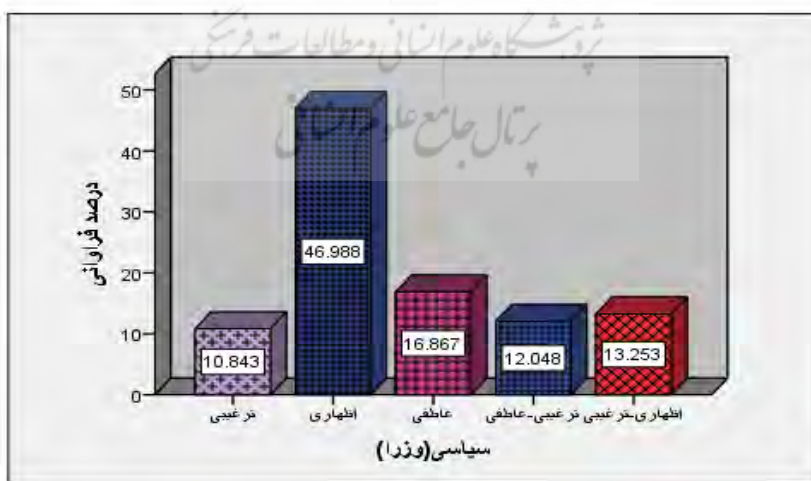
تغییر دهد البته اینجا اغلب با فایده یا بی فایده بودن برای شنونده منظور است. مثل؛ قول دادن، تهدید کردن یا تعهد کردن چیزی. ۴- بیانگرها^۷ که برای بیان احساسات و نظرات گوینده به کار می رود، مثل: تشکر کردن، تبریک گفتن، درود گفتن، عذر خواستن و شکایت کردن. ۵- اخباری ها^۸ که با تغییر دادن موقعیت خارجی عمل می کند وقتی کنش های گفتاری، دنیایی که از طریق زبان می تواند تغییر یابد را بیان کند مثل هنگامیکه عاقد اعلام ازدواج یا اعلام طلاق می کند. (شیبانی اقدم، ۱۳۹۴: ۱۵۸) از امری ها با عنوان ترغیبی ها و از بیانگرها با عنوان عاطفی ها و از اخباری ها با عنوان اعلامی ها نیز یاد شده است.

۱- کنش های گفتاری در متن نامه ها

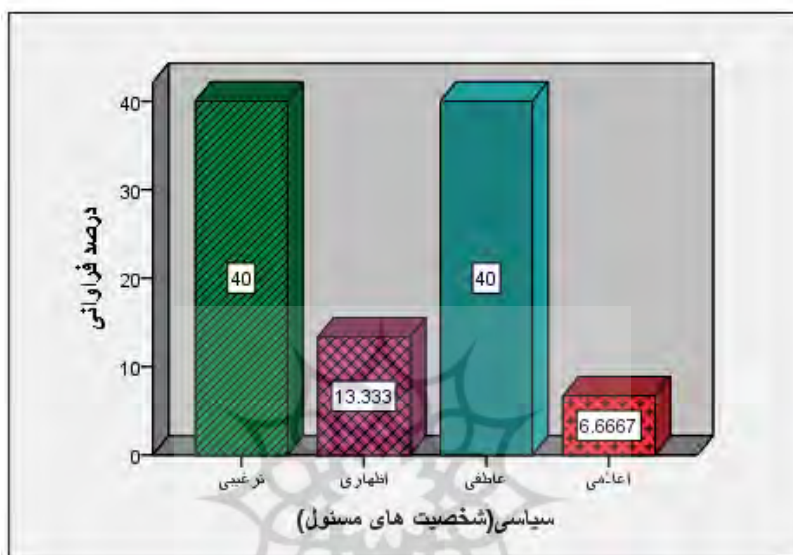
جامی با استفاده از جایگاه اجتماعی و عرفانی خود در میان مردم، در اختیار داشتن گفتمان عارفانه و همچنین تحت تأثیر آموزه ی سیاسی^۹ خانقاهی نقشبندیه قصد همراهی و همسویی با قدرت حاکم را داشته است؛ به همین دلیل در نامه های خود به سلاطین و وزرا از کنش های اظهاری و عاطفی که جزء کنش های رفاقتی هستند، بیشترین بهره را برده است؛ یعنی بیشتر به بیان باورها، واقعیت ها و اظهارات خود پرداخته تا به بیان نصیحت و تعیین تکلیف. در این راستا از بررسی نامه ها در بافت سیاسی نتایج ذیل بدست آمده است: از ۴۱ نامه ای که به سلاطین نوشته است، کنش های اظهاری ۲۳٪، عاطفی ۲۱٪، عاطفی^{۱۰} ترغیبی ۱۵٪ اظهاری-عاطفی ۱۳٪، اظهاری-ترغیبی ۱۴٪، اعلامی ۲٪، و ترغیبی ۷/۷۴٪ به کار رفته است (فتوحی، ۱۳۹۴: ۲۸۸-۲۹۰).



از بررسی ۶۴ نامه به وزرا در بخش سلطانیات کنش های اظهاری ۴۶٪، اظهاری-ترغیبی ۱۳٪ و در بخش اخوانیات کنش های اظهاری °عاطفی ۱۶٪ بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده اند.



از ۲۷۶ نامه به شخصیت های مسئول در بار کنش های عاطفی ۴۰٪ و کنش های ترغیبی ۴۰٪ بیشترین بسامد را به صورت مساوی دارد.



در بافت سیاسی از کنش های ترغیبی به صورت مستقل تنها در نامه به شخصیت های مسئول در بار استفاده شده است و علت آن در موضع اقتدار بودن نویسنده نسبت به آنان است که در مرتبه پایین تر از سلطان و وزیر قرار دارند. اوبه این وسیله آنان را ملزم به انجام خواسته هایش در باره رفع مشکلات مردم می نماید. (همان)

برخلاف جامی که در دوره ای زندگی می کند که حاکمان تیموری احترام ویژه ای به سادات و عرفا و علما دارند، غزالی به دلیل حسادت ها و رقابت هایی که در اطرافش وجود دارد، مورد بازخواست و احضار سلطان سنجر واقع می شود؛ به همین دلیل با زهد پیشگی و هژمونی ستیزی سعی در حفظ اقتدار خود در مقابل نهاد حکومت دارد. او با تسلط بر گفتمان زاهدانه و بکارگیری آن در نامه هایش بر نهاد حکومت اعمال نظارت کرده به این وسیله از منافع رعیت دفاع و حاکمان را به به عدالت ورزی سفارش می کند؛ به همین دلیل پر بسامد ترین کنش ها

در نامه های او کنش ترغیبی است که از جمله کنش های رقابتی بوده و کارکرد آن ایجاد تغییر در عملکرد پادشاه است. بسامد این کنش در نامه به شاه ۴۱٪ و در نامه به وزیر فخر الملک با ۶۲/۵٪ اقتدار بالای نویسنده را در مقابل قدرت حاکم نشان می دهد (رک در پر، ۱۳۹۲: ۱۵۵-۱۸۰)

حال یکی از نامه های جامی به سلطان حسین بایقرا و بخشی از نامه غزالی به سلطان سنجر رابه صورت تصادفی انتخاب و از منظر چگونگی کاربرد کنش های گفتاری بررسی می کنیم: نامه شماره یک جامی به سلطان حسین و کنش های گفتاری متن «الفقیه عبد الرحمان جامی

از نور ازل دلت منور بادا اسرار ابد دراو مصور بادا(عاطفی)

بی آنکه عنان عزم تابى سویی ملک همه عالمت مسخر بادا(عاطفی)

بر ضمیر منیر دولتخواهان آن حضرت که آئینه صواب نمای مصالح دینی و دنیوی است (اظهاری) و مرآت صوری گشای مقاصد صوری و معنوی (اظهاری) روشن خواهد بود که حضرت ذوالجلال و الاکرام از آغاز تا انجام اکثر مطالب ایشان را بیآنکه تهیه اسباب ظاهری را در آن مدخلی تمام بوده باشد میسر ساخته است (اظهاری) و به واسطه حسن نیت و صفای طویت که نسبت با عموم رعایا و کافه برایا دارند (اظهاری) بسی اطراف و اکناف را مسخر گردانیده (اظهاری) امید واری چنان است که بی آنکه وجود ایشان در میان باشد و سعی ایشان حجاب شهود فضل و امتنان گردد به اقتضای قضیه

لقد احسن الله فیما مضی کذالك یحسن فیما بقی

همیشه در مصاعد جاه و حشمت متصاعد باشند (عاطفی) و در مراقی فتح و نصرت مرتقی (عاطفی). صبر در امور مطیه ظفر است و استعجال در آن مظنه خطر (اظهاری)، لایزال عساکر نصرت اثر با ظفر همعنان باد (عاطفی)، در سفر و حضر از خطا و خطر در امان (عاطفی)، والسلام والاکرام. (جامی، ۱۳۷۸: ۹۵)

در این نامه و نامه های مشابه فقط از کنش های اظهاری و عاطفی استفاده شده است. نویسنده در جایگاه یک عارف و عالم برجسته ارشادات و نصایح خود را نه به صورت جملات امری بلکه در قالب جملات دعایی بیان نموده است.

در واقع او برای بیان ارشادات خود در جهت فراهم نمودن منافع کشور و در امان ماندن رعیت از جنگ های ویرانگر گورکانیان از این کنش ها و کنش حافظ وجهه در قالب جمله ی دعایی استفاده کرده تا از میزان تهدید احتمالی وجهه مخاطب بکاهد و او را با خواسته های خود همراه سازد.

نامه غزالی به سلطان سنجر و کنش های گفتاری متن

«ایزد تعالی ملک اسلام را از مملکت دنیا برخوردار کند و آنگاه در آخرت پادشاهی دهد که پادشاهی روی زمین در آن حقیر و مختصر گردد که کار پادشاهی آخرت دارد(عاطفی ° ترغیبی)...همت بلند دار چنانکه اقبال و دولت و نسبت بلند است(ترغیبی) و از خدای تعالی جز به پادشاهی جاوید قناعت مکن این همه بر جهانیان دشوار است و بر ملک مشرق آسان...»(ترغیبی)

و حال دنیا چنانکه هست بداننا در چشم تو مختصر گردد که بزرگان چنین گفته اند که اگر دنیا کوزه زرین بودی که نماندی و آخرت کوزه سفالین که بماندی عاقل کوزه سفالین باقی اختیار کردی بر کوزه زرین فانی(ترغیبی)...این مثل نیک در اندیشد(ترغیبی) و همیشه پیش چشم می دارد(ترغیبی)... بر مردمان طوس رحمتی کن (ترغیبی) که ظلم بسیار کشیده اند (اظهاری) و غله به سرما و بی آبی تباہ شده (اظهاری) و درخت های صد ساله از اصل خشک شده(اظهاری) و هر روستایی را نمانده مگر پوستینی و... (اظهاری) اگر رضا دهد که پوستین از پشت باز کنند رضا مده که...»(ترغیبی)

این داعی بدانکه پنجاه و سه سال عمری گذاشت(اظهاری)، چهل سال در دریای علوم دین غواصی کردتا به جایی رسید که سخن وی از اندازه فهم بیشتر اهل روزگار در

گذشت... (اظهاری) و چندبار میان سلطان و امیر المؤمنین رسول بود در کار های مهم و در علوم دینی نزدیک هفتاد کتاب کرد... (اظهاری) و.. عهد کرد که پیش هیچ سلطان نرود... (ترغیبی) اکنون شنیدم که از مجلس عالی اشارتی رفته است به حاضر آمدن فرمان را به مشهد رضا آدم (اظهاری) ... و بر سر این مشهد می گویم ای فرزند رسول شفیع باش تا ایزد تعالی ملک اسلام را در مملکت دنیا از درجه پدران خویش بگذراند (عاطفی) و در مملکت آخرت به درجه سلیمان ° علیه السلام ° برساند... (عاطفی)

ایزد تعالی بر زبان و دل عزیز آن راناد که در قیامت از آن خجل نباشد و امروز اسلام را از آن ضعف و شکستگی نباشد و السلام. (ترغیبی)» (غزالی، ۱۳۶۲: ۳-۵) پر بسامد ترین کنش ها در این نامه کنش ترغیبی است با کار کرد ایجاد تغییر در عملکرد پادشاه بر مبنای باورها و حقایقی که در نامه مطرح شده است.

با وجود اینکه مخاطب در بالاترین درجه هرم قدرت جای دارد، باز هم نویسنده از کنش ترغیبی استفاده کرده و حتی پیشنهادهایی را با وجه امری که جنبه اقتداری بیشتری دارد، مطرح نموده است. در بند هایی که کنش اظهاری دارند یا خواسته است که مقام و موقعیت خودش را با کار کرد اتخاذ موضع در برابر مخاطب یاد آور شود یا اوضاع بد اقتصادی و اجتماعی مردم را به او متذکر شود. (در پر، ۱۳۹۰: ۲۰۳)

۲- بیان مستقیم و غیر مستقیم

بیان مستقیم و غیر مستقیم و مقوله ادب از دیگر ابزار های تحلیل در این وجه گفتمانی است؛ جامی و غزالی در نامه های خود با توجه به موقعیت نامه در بافت سیاسی و نوع ارتباط و اهداف گفتگو با مخاطبین و رعایت ادب هر کدام شیوه خاصی را در این مقوله در پیش گرفته اند. غزالی به دلیل داشتن سبک زاهدانه و قرار گرفتن در موضع اقتدار بیشتر به شیوه بیان مستقیم روی آورده است و اگر گاهی به شیوه غیر مستقیم روی می آورد، به دلیل داشتن رابطه عمودی با مخاطبین و کاستن از بار تحمیلی خواسته ها و نصایح تلخ است؛ اما جامی از آنجا که سعی در همراهی و همسویی با نهاد قدرت و حکومت داشته است و مخاطبین نیز به دیده احترام به او می

نگریستند، بیشتر از راهبرد بیان غیر مستقیم با شیوه های جملات دعایی، ابیات فارسی و عربی در قالب رباعی و دوبیتی، ضمائر سوم شخص و جملات شرطی برای ایجاد ارتباط مؤثر کلامی استفاده می کنند. برای این شیوه ها مثال هایی را از نامه های او ذکر می کنیم؛ جملات دعایی این جملات که بیشتر در قالب رباعی و دوبیتی ذکر می شود عبارتند از: در نامه شماره یک:

از نور ازل دلت منور بادا/ اسرار ابد در او مصور بادا

بی آنکه عنان عزم تابی سویی/ ملک همه عالمت مسخر بادا

در پایان نامه هم در قالب نثر به دعا پرداخته است: «همیشه در مصاعد جاه و حشمت متصاعد باشند و در مراقی فتح و نصرت مرتقی... لایزال عساگر نصرت اثر با ظفر همعنان باد، در سفر و حضر از خطا و خطر در امان و السلام و الاکرام. (جامی، ۱۳۷۸: ۹۵) جامی در این نامه ارشادات و نصایح خود را نه به صورت جملات امری و کنش های ترغیبی بلکه در قالب جملات دعایی بیان نموده است و به این طریق می خواهد به شاه بگوید: ۱- سلطان نباید فقط به زور و بازو و قدرت لشگریانشامیدوار شود. ۲- سلطان نباید در امور مملکت داری خواست و اراده ی خداوند را نادیده بگیرد. ۳- پیروزی واقعی فقط در میداین جنگ بدست نمی آید. ۴- لازمه این نوع ظفر و پیروزی حسن نیت و صفای طوبیت با عموم رعایا و برایا است. ۵- لازمه حسن نیت و صفای طوبیت با مردم صبر است. ۶- نتیجه ی صبر، مرتکب نشدن خطا و اشتباه است. ۷- خطانکردن مایه ی در امان ماندن از خطر است.

نامه شماره ۲ را با این بیت آغاز می کند:

بنامیزد زهی منشور شاهی/ به ایرادش دعا گویان مباهی

به نام بنده در قید غم بند / خط آزادی آمد از خداوند(همان: ۹۶)

در این نامه نیز با کاربرد زواژگان متقابلبندگی و شاهی، بنده و شاه، درصددهماهنگ شدن با نهاد حکومت جهت رسیدن به اهداف سیاسی^۵ خانقاهی نقشبندیه است؛ هر چند جامی در نامه های خود به شخصیت های مسئول در بار(به غیر از شاه و وزیر) با توجه به

رابطه فرادستانه و مقتدرانه نسبت به آن ها بیشتر از بیان مستقیم بهره می برد. از ویژگی های سبکی این نامه ها می توان به صراحت بیان و قاطعیت در سفارشات و درخواست ها ، تکرر بسامد فعل های امر و نهی و عناصر تأکیدی اشاره کرد. عبارات آمرانه و قاطعانه ی او عبارتند از: «بی جهتی شرعی مبلغی گرفته» و «به موجب شریعت مطهره پرسیده شود» «حکمی به خلاف شریعت مطهره نرود» " کسی به خلاف شریعت مزاحم ایشان نشود» و «به خلاف شریعت مطهره بر هیچ کس حیفی نرود» و «مطلقاً از قانون شریعت تجاوز نمایند» و ...

غزالی بر خلاف جامی به دلیل داشتن سبک زاهدانه و گفتمان اقتدار گرایانه از راهبرد بیان مستقیم به صورت عبارات اندرزی ، کنش های ترغیبی و افعال امر و نهی بیشترین استفاده را در نامه به سلاطین و وزرا می نماید؛ اما با توجه به اینکه این نوع کاربرد در ذات خود غیر محترمانه تلقی می شود و با آنچه حسن معاشرت نامیده می شود ناسازگار است، از شیوه بیان غیر مستقیم به عنوان راهکاری ملاحظه کارانه استفاده می کند تا از تحمیل خواسته خود بر مخاطب بکاهد و بار منفی آن را تعدیل نماید. (در پر، ۱۳۹۲: ۱۵۸)

در نامه های او کاربرد آیات و احادیث که در بافت گفتمان اشاعره ، بیان مستقیم به حساب می آید ، به وفور دیده می شود (همان: ۱۸۲) در حالی که جامی به ندرت از آیات و احادیث بهره میبرد؛ به عنوان مثال این نوع کاربرد در نامه به وزیر ، خواجه ابو الفتح مظفر ، پسر بزرگ خواجه نظام الملک طوسی مشهور به فخر الملک ۱۴ بار دیده می شود. (غزالی، ۱۳۶۳: ۲۹) شیوه های کاربرد غیر مستقیم در همین نامه عبارتند از : کاربرد ۵ بار تمثیل با تلویحاتی مانند تشویق وزیر به بی نیازی از دعا و ثنا، دنیا گریزی و پرداختن به امور آخرت ، انجام کار های خیر و... و ۶ بار از وجه عام استفاده کرده با تعبیر هایی مانند: «بیت نظامی»، «صاحب مصیبت» ، به جای ضمیر « تو »: « و همه دوستانان بیت نظامی بدین مصیبت مشغولند... شرط نباشد که صاحب مصیبت از ماتم خویش بی خیر بود و به نشاط

مشغول»(غزالی، ۱۳۶۳: ۳۱) کاربرد جمله وصفی: «کسی که اول طمعگاه خویش را به همه سلاطین داغ کرده است» به جای «من» به کار رفته است(همان: ۳۲).

عمده ترین تفاوت سبک بیان جامی و غزالی در نحوه نصیحت و اندرز آن ها به مخاطبین است. جامی با توجه به بافت موقعیتی^۰ رابطه دوستانه و مسامحه آمیز و شاعر و عارف بودنش^۰ بیشتر به استفاده از شعر(دو بیتی و رباعی) گرایش دارد و غزالی با قرار گرفتن در بافت موقعیتی با رابطه سختگیرانه و سازش نا پذیر بیشتر به ذکر آیات و احادیث روی می آورد همچنین به دلیل همین موعظه گری و هژمونی ستیزی، متن نامه های غزالی طولانی و تعداد آن ها اندک است؛ اما نامه های جامی به دلیل ارتباط بیشتر، دوستانه و مسامحه آمیز بودن، کوتاه و تعداد آنها بسیار زیاد است.

مقایسه نامه ها در سطح تبیین

۱- گفتمان های موجود

گفتمان های موجود در متن نامه ها با توجه به جایگاه نویسندگان و مخاطبین، گفتمان عارفانه، زاهدانه و گفتمان حکومت است.

۲- گفتمان غالب

گفتمان غالب در نامه های جامی عارفانه و در نامه های غزالی زاهدانه است. تکثر بسامد رمزگان دین و عرفان، سخن گفتن نویسنده به سبک اندرزی بایان غیر مستقیم و کنش های اظهاری^۰ عاطفی، استفاده مکرر از شواهد شعری صوفیانه (دو بیتی و رباعی)، کاربرد اندک عناوین والقباب برای مخاطبین، کاربرد واژگان متقابل با هدف القا نمودن ایدئولوژی خانقاهی^۰ سیاسی طریقت نقشبندیه، دلالت بر غالب بودن گفتمان عارفانه در متن نامه های جامی دارد؛ اما گفتمان غالب در نامه های غزالی، زاهدانه است که می توان گفت نسبت به گفتمان عارفانه جامی سختگیرانه و انعطاف ناپذیر است. ویژگی هایی که در شکل گیری این گفتمان در نامه های غزالی ایفای نقش می کنند عبارتند از: بالا بودن بسامد

رمزگان زاهدانه نسبت به رمزگان نهاد حکومت مانند توبه ، عقوبت ، زاری و تضرع ، ذکر نام بزرگان و پیشوایان مذهبی مانند امام شافعی ، امام ابو حنیفه که همگی دنیا گریزی را القا می کنند. واژگان متقابل یکی دیگر از مؤلفه هایی است که در شکل گیری سبک زاهدانه در این نامه هانقش اساسی دارد . معمولاً در یک طرف واژگان مربوط به دنیا و در سوی دیگر واژگان مربوط به آخرت و عالم حقیقت قرار می گیرد؛ مانند: امیر و اسیر و...

۳- کارکرد نامه ها

هر دو نویسنده از طریق تسلط بر گفتمان که یکی از منابع اصلی قدرت است ، در موضع اقتدار قرار گرفته اند ؛ اما هر کدام سبک و گفتمان خاصی را برای تأثیر در مخاطبین در پیش گرفته اند؛ غزالی با سبک آمرانه و چالشی که موافق گفتمان زاهدانه و سرچشمه گرفته از ایدئولوژی آخرت گرایانه است ، سعی در کنترل دستگاه حکومت دارد و از این طریق به حمایت از مردم و دفاع از حقوق آنان می پردازد و جامی با تکیه بر ایدئولوژی خانقاهی^۵ سیاسی طریقت نقشبندیه و گفتمان عارفانه نهاد حکومت را با جریان تصوف همسو نموده و بر عملکرد حاکمان با سفارش به رعایت حال رعایا، اجرای عدالت ، پرهیز از جنگ و رفع گرفتاری های مردم نظارت می کند.

نتیجه

گفتمان حاکم بر نامه های جامی ، گفتمان عارفانه، ادیبانه با محوریت «عشق الهی» و گفتمان حاکم برنامه های غزالی گفتمان زاهدانه با گرایش به زهد و آخرت گرایی سازمان یافته است. جامی از شواهد شعری در قالب های رباعی و دوبیتی که متناسب با سبک عارفانه استو بیشتر خود، سرایندهی آنهاست، بهره ی فراوانی برده است ؛ اما غزالی در جهت سامان دهی گفتمان زاهدانه بیشتر از راهبرد تمثیل و آیات و احادیث استفاده نموده است.

غزالی با توجه به ایدئولوژی زهد و آخرت گرایی، با لحن چالشی و کنش های رقابتی به صف بندی کامل عالمان و زاهدان در مقابل سلاطین می پردازد؛ اما جامی بر مبنای ایدئولوژی

خانقاهی، سیاسی نقش‌بندیده سعی در تقرب به سلاطین و همسومودن آنان با نهاد تصوف، دین و علم با هدف حمایت از مردم و اجرای عدالت داشته است.

غزالی برای بازتولید گفتمان موردنظر خود در متن نامه‌ها و تأثیرگذاری در مخاطب، بیشتر به استفاده از کنش‌های ترغیبی، وجه امری و کنش‌های گفتاری مستقیم که به نوعی تهدید و جبهه مخاطب است، روی آورده است و جامی در راستای شکل‌دهی به گفتمان عارفانه بیشتر از کنش‌های اظهاری، اظهاری-عاطفی و ترغیبی-عاطفی، وجه التزامی و کنش‌های گفتاری غیرمستقیم بهره برده است؛ هرچند در بیشتر نامه‌های او به شخصیت‌های مسئول دربار و وزرا، کنش‌های گفتاری مستقیم، لحن آمرانه و پرنفوذ او را نیز می‌بینیم.

هر دو با به کارگیری گفتمان موردنظر در متن، به حفظ اقتدار خود در مقابل حکومت پرداخته، اما در مفهوم رابطه‌ی قدرت با سلاطین و حکومت، غزالی استراتژی کوچک شمردن پادشاهی دنیا و تفهیم مفهوم برتری پادشاهی آخرت بر پادشاهی دنیا، از طریق اندرز را دنبال کرده است؛ اما جامی ضمن اندرز به پادشاه و ملازمان و وزرای او سعی در مشروعیت بخشی به حکومت و ایفای نقش میانجی در بین مردم و حکومت را داشته است. هرچند جامی، مانند غزالی رغبتی به آوردن شاخص و القاب و عناوین برای مخاطبین فرادست ندارد اما با کاربرد همان تعداد اندک شاخص مانند حضرت خلافت پناهی و سلیمان دستگامی و واژگانی چون بنده و شاه و مفاهیمی مانند ظل... بودن پادشاه که می‌توان آنها را نشانه‌های هژمونیک^۹ نامید، به حمایت از حکومت پرداخته است؛ اما غزالی با آوردن احادیث و قیاس‌های منطقی راه هژمونی ستیزی را برمی‌گزیند وی در نامه‌ای خطاب به وزیر می‌گوید: «امیر و وزیر و نظام و هرچه بدین مانند همه خطابست و القاب و از جمله تکلف «أنا و اتقیا امتی براء من التکلف»، معنی امیری بدانستن و حقیقت وی طلب کردن مهم تر است هر که ظاهر و باطن وی به معنی

۹. از نظر گرامشی، هژمونی ناشی از قدرتی است که طبقه‌ی حاکم می‌خواهد به واسطه‌ی آن طبقات دیگر را قانع کند که منافع آن طبقه منافع همه است (اشکراف و اهلوالیا، ۱۹۹۹: ۴۴ به نقل از سلطانی، ۱۳۸۷: ۸۲)

امیری آراسته گردد امیر است گرچه هیچ کس وی را امیر نگوید و هر که از این معنی عاطل است، اسیر است گرچه همه جهان وی را امیر گوید. (غزالی، ۲۷-۲۸) در واقع جامی به توازن قدرت می اندیشد و غزالی به ایستادن در مقابل قدرت.

فهرست منابع

- آقا گل زاده، فردوس (۱۳۸۶): تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات، مجله ادب پژوهشی، شماره یک، ص ۱۷-۱۸.
- باخرزی، عبدالواسع، (۱۳۷۱)، مقامات جامی، به کوشش نجیب مایل هروی، تهران.
- بهار، محمد تقی (۱۳۸۶): سبک شناسی، ج ۳، تهران، امیر کبیر.
- جامی، عبد الرحمن (۱۳۷۸): نامه ها و منشآت، مقدمه و تصحیح عصام الدین اورون بایف و اسرار رحمانوف، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب.
- جامی، عبد الرحمن (۱۳۶۶): یوسف و زلیخا، هفت اورنگ به کوشش مرتضی مدرس گیلانی.
- حکمت، علی اصغر (۱۳۲۰): جامی، تهران.
- درپر، مریم (۱۳۹۲): سبک شناسی نامه های غزالی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی، تهران، نشر علم.
- درپر، مریم (۱۳۹۳): سبک شناسی لایه ای، توصیف و تبیین بافتمند سبک نامه شماره یک غزالی در دو لایه واژگان و بلاغت، مجله ادب پژوهی، شماره ۲۷، ص ۱۱۵-۱۳۶.
- ریپکا، یان و دیگران (۱۳۷۰): تاریخ ادبیات ایران، ترجمه کیخسرو کشاورزی، تهران.
- سلطانی، سید علی اصغر (۱۳۸۷): قدرت، گفتمان زبان، تهران، نشرنی
- شیبانی اقدم، اشرف (۱۳۹۴): کلید واژه های سبک شناسی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۸۴): تاریخ ادبیات ایران (خلاصه ی چهارم تاریخ ادبیات ایران)، به تلخیص محمد ترابی، جلد سوم، تهران، فردوس.
- غزالی طوسی، محمد (۱۳۶۲): مکاتیب فارسی غزالی: فضائل الانام من رسائل حجة الاسلام، تصحیح عباس اقبال، تهران، امیر کبیر.
- غزالی طوسی، محمد (۱۳۶۳): مکاتیب فارسی غزالی: فضائل الانام من رسائل حجة الاسلام، تصحیح عباس اقبال، تهران، کتابخانه طهوری.
- فتوحی تکانپه، سوسن (۱۳۹۴): بررسی سبک شناختی منشآت جامی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی، رساله دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

فرکلاف، نورمن (۱۹۸۹، ۱۳۷۹/۱۹۹۵): تحلیل گفتمان انتقادی ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران. تهران: مرکز مطالعه و تحقیقات رسانه ها.

مایل هروی، نجیب (۱۳۷۷): شیخ عبدالرحمن حاجی، چاپ اول، تهران، طرح نو.
میرجعفری، حسین (۱۳۸۱): تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان، تهران، سمت.

نقیب زاده، احمد (۱۳۸۴)، درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سمت.
یول، جرج (۱۳۸۳): کاربرد شناسی زبان، ترجمه ی محمد عمو زاده مهدیرجی و منوچهر توانگر، تهران، سمت

